گنجینهٔ گویش‌شناسی فارس

عبدالنبی سلامی، دفتر اول، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار، تهران، ۱۳۸۳، ۳۶۴ ص.

کتاب حاضر اولین دفتر از سلسله کتابهایی است که قرار است به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شود. در حقیقت انتشار این مجموعه در راستای ایجاد بانک اطلاعاتی گویش‌شناسی ایران است که مقدمات آن از یک سال‌ونیم پیش در فرهنگستان فراهم شده است و پیش‌زمینه‌ای برای تدوین اطلس گویش‌شناسی استان فارس خواهد بود. تهیهٔ اطلس گویش‌شناسی برای کشور پهناور ایران از جمله کارهایی است که هنوز علی‌رغم کوششهای زیاد و البته پراکنده به نتیجه نرسیده است و هنوز در مراحل بسیار مقدماتی جمع‌آوری داده‌ها، آن هم در بیشتر اوقات به صورت فردی و علاقهٔ شخصی و عمدتاً غیرعلمی قرار دارد. شاید یکی از دلایل عمدهٔ عدم موفقیت در تهیهٔ چنین اطلسی هزینهٔ بسیار بالای جمع‌آوری داده‌ها و صد البته نبودن کار گروهی نظام‌مند باشد و جمع این دو به صورت مطلوب تاکنون آنچنان که باید جامهٔ عمل نپوشیده است. نگارندهٔ این سطور چاپ این مجموعه را به فال نیک گرفته و پیشنهاد می‌کند که این امر به همین جا ختم نشده و به استانهای دیگر کشور نیز تسری یابد. هر یک از گروههای زبان‌شناسی در کشور نیز می‌توانند بخشی از این کار را انجام دهند و فرهنگستان نقش هماهنگی بین گروههای مختلف، و احیاناً حمایتهای مالی و فنی را به عهده بگیرد. لازم است در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها ملاکها و معیارهای بین‌المللی رعایت شود. مثلاً در این زمینه می‌توان به موارد مطروحه توسط زبان‌شناس برجسته برنارد کامری توجه کرد. وی مدتها به همراه عدهٔ زیادی از زبان‌شناسان و گویش‌شناسان مشغول تهیهٔ اطلس زبان‌شناسی جهان بوده است (رک.

(http://linguistics.buffalo.edu/people/faculty/dryer/dryer/atlas). پس باید به این موضوع توجه کرد که آیا مواد خامی که جمع‌آوری می‌شود می‌تواند مبنای مطمئنی برای استخراج ساختهایی باشد که در طرح اطلس زبان‌شناختی جهان هم آورده شده یا نه. البته واضح است که بسیاری از ساختهای مورد نظر کامری در زبانها و لهجه‌های ایرانی یافت نمی‌شود. رعایت تمامی نکات علمی، چه هنگام تهیهٔ پرسشنامه‌ها و چه هنگام جمع‌آوری داده‌ها بسیار طاقت‌فرسا است و معمولاً از عهدهٔ یک فرد برنمی‌آید. نکتهٔ جالب توجه در مورد کتاب گنجینهٔ گویش‌شناسی فارس نیز این است که تمامی مواد آن توسط یک نفر یعنی آقای سلامی جمع‌آوری شده است و این کار جای تقدیر فراوان دارد.

این کتاب فاقد فصل‌بندی است و هر قسمت تنها با عنوان خاصی آمده است، ولی با توجه به مطالب ارائه شده به طور کلی می‌توان کتاب را به پنج بخش عمده تقسیم کرد: ۱) مقدمات، ۲) توضیح نکات دستوری، ۳) واژه‌نامه، ۴) جملات فارسی و معادل آنها در گویشها، ۵) ضمائم.

۱. **مقدمات**. این قسمت شامل مقدمه‌ای به قلم دکتر رضائی باغ‌بیدی، پیشگفتار مؤلف، اطلاعاتی در مورد گویشوران، و جدول نشانه‌های آوائی است. پیشگفتار مؤلف بیانگر دغدغه‌های وی در مورد عدم توجه اکثریت محققان و دست‌اندرکاران به جمع‌آوری گویشها و زبانهای ایرانی است که در حال از بین رفتن هستند. مؤلف خود یکی از گویشوران لهجه‌های فارس است. شیوهٔ کار محقق مراجعهٔ مستقیم به گویشوران و ثبت و ضبط واژگان و جملات بوده است. مؤلف در پیشگفتار به معرفی هر یک از گویشهای (۹گویش) مورد مطالعه و حوزهٔ نفوذ آنها پرداخته است. این گویشها عبارت‌اند از: دوانی، دَهله‌ای، عَبدویی، کازرونی، کَلانی، کَنده‌ای، کوزَرگی، مَمَسَنی و ماسَرمی. وی در مواضعی سابقهٔ بعضی از آنها را به همراه ردپای آنها در متون برجای مانده از زبان فارسی، به دست داده است. نکتهٔ جالبی که مؤلف به آن اشاره می‌کند و نگارنده نیز خود عملاً آن را تجربه کرده است این است که «معمولاً گویش شهرهای بزرگ چون گویش روستاهای کوچک منسجم و یک‌دست نیست» (ص۲۲)، این پدیده بی‌شک به دلیل مهاجرت گستردهٔ روستانشینان از جاهای مختلف به شهرهای بزرگ رخ داده است. به هر حال همین امر مشکلات بسیاری را هنگام جمع‌آوری داده‌ها در شهرهای بزرگ برای محققان به وجود می‌آورد.

بعد از پیشگفتار، مؤلف اطلاعاتی را در مورد گویشوران این دفتر آورده است. این اطلاعات شامل نام، نام خانوادگی، سن، میزان تحصیلات و شغل گویشوران است. با مقایسهٔ تعداد افراد مورد مصاحبه متوجه می‌شویم که تعداد گویشوران دوانی از همهٔ گویشوران سایر گویشها بیشتر است (۱۸ نفر)، ولی مثلاً دربارهٔ لهجهٔ خومه‌زاری تنها از یک نفر پرسش شده است. این امر به صورت آشکاری در مثالهای کتاب تأثیر گذاشته است، به طوری که بسیاری از مثالها مخصوصاً در بخش

دستور مربوط به گویش دوانی است. در این کتاب تنها به فهرستی از نشانه‌های آوائی و چند سطری توضیح در مورد نکات آوائی، آن هم به طور کلی، اکتفا شده است. به نظر نگارنده این امر بزرگترین نقصان کتاب به شمار می‌رود. زیرا ممکن است چنین تصور شود که گویا نظام واجی این ۹گویش مانند هم است که مطمئناً چنین نیست. با توجه به اهمیت فوق‌العادهٔ نظامهای واجی پیشنهاد می‌شود محقق گرانقدر مجموعه، نظامهای واجی هر یک از گویشها را به تفکیک در دفترهای بعدی به دست دهد. البته لازم است اینجا خاطر نشان کنیم که از همین توضیحات اندک نیز می‌توان چند مورد مهم آوائی/واجی را استخراج کرد که آنها را در زیر می‌آوریم:

الف) در اکثر قریب به اتفاق این گویشها واکه (مصوت)های بلند i:، e:، â:، u:، a: در تقابل با واکه‌های کوتاه قرار دارد. یعنی امتداد (یا کمیت) واکه یک مشخصهٔ تمایزدهنده است. این وضعیت تقریباً شبیه دستگاه واکه‌ها در فارسی جدید یعنی دورهٔ اسلامی تا حدود قرن هشتم هجری است و در تقابل با فارسی امروز قرار دارد. مطمئناً کاربرد واکه‌ها در گویشهای مورد بحث همان طور که گفتیم مانند هم نیست، بعضی چون دوانی خصوصیات کهن بیشتری از خود نشان می‌دهند و بعضی مانند کازرونی بیشتر تحت تأثیر فارسی امروزی قرار گرفته‌اند. در لهجهٔ کازرونی با توجه به شواهد موجود در کتاب ظاهراً واکه‌های بلند تمایزدهنده نمی‌باشند و قابل پیش‌بینی هستند و بنابراین نقش واجی ندارند. مثلاً در کلمات «پهن» pa:n، «کاه‌گل» ka:gel، «مهر» me:r، «ظهر» zo:r، «راس» ra:s، و «قهر» qa:r متوجه می‌شویم که بعد از حذف h واکهٔ قبلی دچار کشش جبرانی شده است.

ب) وجود همخوان (صامت)های مرکب tz و dz در گویش دوانی و ts در گویش دهله‌ای:

دوانی: «انجیر» andzi، «جوجه‌تیغی» zets

دهله‌ای: tsan

ج) تقابل همخوان پیشین k̂ با پسین k در همهٔ گویشهای مورد بررسی و همچنین تقابل ĝ پیشین و g پسین.

د) وجود همخوان γ در همهٔ گویشها.

ه) وجود همخوان δ در همهٔ گویشها جز کازرونی.

۲. توضیح نکات دستوری: در این قسمت به اسم، فعل و صفت پرداخته شده است. در توضیح دستگاه فعل، گویشهای مورد مطالعه براساس زمان گذشتهٔ افعال متعدی‌شان به دو دسته تقسیم می‌شوند: «دستهٔ اول برپایهٔ ساخت فعل در زبان فارسی دری (فارسی امروزی) و دستهٔ دیگر برپایهٔ ساخت «ارگتیو» استوار است که بازمانده‌ای از ساختارهای زبانهای ایرانی میانهٔ غربی (پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی) را به نمایش می‌گذارد» (ص۳۷).

علاوه بر موارد فوق در این قسمت شناسه‌های فعل لازم در هر ۹ گویش به دست داده شده است، ولی مثالها تنها از گویش دوانی است. در این مثالها میانجی δ بین ستاک و شناسه‌های فعل لازم ظاهر شده است تا از التقای واکه‌ها جلوگیری کند:

«آمدم» anaδe، «می‌آمدم» ma:neδ-e، «آمده بودم» anessaδ-e

با توجه به مثالهای داده شده در کتاب همخوان v نیز در بعضی مواضع، مثل صرف فعل «بودن»، در مقام میانجی ظاهر شده است. بنابراین در جدول ص ۴۰ «گذشتهٔ بعید با صرف فعل بودن»، شناسهٔ سوم شخص مفرد گویش دوانی i- است و نه vi-:

«آمده بودم» anessaδe، «آمده بودی» anessaδe، «آمده بود» anessevi

در ادامهٔ بحث مؤلف به پیشوندهای صرفی می‌پردازد. کاربرد پیشوندهای -ka/-ke، -te و -ve در گویش عبدویی، -i در کنده‌ای، و -i در لری ممسنی به جای «می» جالب توجه است (رک. ص ۴۴). علاوه بر کاربرد پیشوند بـ (bi/be/bo/be:)، پیشوند -hu در گویش دوانی و کوزرگی، -hu/-ho در ماسرمی، -u در دهله‌ای، و -o، :ha و -fu در عبدویی به کار می‌رود (رک. ۴۶ـ۴۵). با توجه به توضیحات مؤلف در ص ۴۶، ترتیب قرارگرفتن پیشوندهای صرفی و قاموسی در گویشهای مورد بحث با هم فرق دارد. در ادامهٔ بحث طریقهٔ ساخت مجهول، فعل امر، و مطابقهٔ فعل با فاعل و جز آن بیان شده است.

مؤلف نشانهٔ مصدر در گویشهای مختلف این ناحیه را به صورت -dan، -tan، -δan، -san به دست می‌دهد، در صورتی که به نظر نگارنده نشانهٔ مصدر در کلیه این گویشها an- است و همخوان قبلی نشانهٔ ستاک گذشته است. نکتهٔ جالب دیگر در این قسمت از کتاب مربوط به نشانهٔ معرفه است. در گویشهای دوانی، دهله‌ای، کنده‌ای، و لری ممسنی نشانهٔ معرفه aku- است:

«بچه» bačak، بچهٔ(مشخص) baččekaku

در گویش عبدویی کاربرد تکیه، نکره یا معرفه بودن را مشخص می‌کند. در گویش کازرونی نشانهٔ ku است و بالاخره در گویش کلانی، کوزرگی و ماسرمی نشانهٔ معرفه u- است.

۳. واژه‌نامه: در این قسمت کلمات گویشها به تفکیک در ستونهایی در کنار هم آمده است. این امر مقایسهٔ این گویشها را بسیار ساده می‌کند. کلمات به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند (از قبیل اعضا، اجزا و وابسته‌های بدن، ابزارهای کار و وسایل خانه، آفتها، بیماریها، بستگان، آشنایان و جز آن)، ولی در درون هر دسته‌بندی کلمات به ترتیب حروف الفبا مرتب شده‌اند. در این قسمت بخشی نیز به فعلهای لازم و متعدی، فعل امر، و صرف آنها اختصاص داده شده است. به نظر نگارنده بهتر این بود که این قسمت بعد از «توضیح نکات دستوری» می‌آمد و نه در واژگان.

۴. جمله‌های فارسی و معادل آنها در گویشها. در این قسمت ۱۰۰ جمله برای هر گویش

به‌دست داده شده است. این جمله‌ها به تفکیک گویشها کنار هم آمده‌اند. جملات مزبور براساس پرسشنامهٔ «طرح گویش‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی» تهیه شده است.

۵. ضمیمه. قسمت آخر کتاب که نام ضمائم را بر آن نهاده‌ایم شامل نمایهٔ فارسی و (فهرست) تصاویر می‌شود. عکسهایی که مربوط به ابزارها و وسائل و اجزاء ساختمان است توسط خود مؤلف عکس‌برداری شده است. بقیهٔ عکسها مربوط به کتب گیاهان دارویی است.

در پایان توفیق مؤلف را در ادامهٔ کار ارزشمند خویش آرزومندیم.

مهرداد نغزگوی‌کهن

مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌کند:

نامهٔ ایران باستان
مجلهٔ بین‌المللی مطالعات ایرانی

سال چهارم، شمارهٔ اول، بهار و تابستان ۱۳۸۳

نبرد رستم فرخزاد با سعد وقاص / **جلال خالقی مطلق**
کتیبهٔ پهلوی- کوفی برج لاجیم / **حسن رضائی باغ‌بیدی**
انتخاب اقدم یا ترجیح اصح (۲) / **ابوالفضل خطیبی**

The Ties that Bind: Sacred Geometry in the Zoroastrian Yasna Ritual / **Gernot Windfuhr**
Exit Aratta: Southeastern Iran and the Land of Marhashi / **D.T. Potts**
Medical Fees and Compositional Principles in the Avestan Vīdēvdād / **Alberto Cantera**

با نقدهایی از: ا. گاریبالدی، تورج دریایی، کامیار عبدی، حسین کیان‌راد، خداداد رضاخانی